

۱۲ سال از شهادت عماد مغنیه می گذرد؛ ابعاد دکت‌رین مقاومت این یار حاج قاسم سلیمانی را بررسی کرده‌ایم

طراح تحقیر اسرائیل

«او مثل شمشیر در موقع مناسب فرود می آمد و مثل یک شبح با سرعت ناپدید می شد.» این تعبیر سه‌په‌د شهید قاسم سلیمانی در وصف رشادت‌های شهید عماد مغنیه است. فرمانده ارشد حزب الله لبنان که با عنوان «حاج رضوان» شهره بود، فرمانده ای که یار غار حاج قاسم بود و همانند سردار منابع غربی او را «فرمانده بدون سایه» خوانده بودند. حاج رضوان ۱۲ فوریه ۲۰۰۸، در دمشق، پایتخت سوریه با انفجار بمبی که از تل آویو کنترل می شد و در تایر زاپاس خودرو جاگذاری شده بود، به شهادت رسید. او هم مانند سردار سلیمانی به تعبیر رهبری دزدانه ترور شد چرا که دشمن توان رویارویی با این استراتژیست ارشد را نداشت. مجله آمریکایی که ساموئل هانتینگتون بنیانگذاری کرده یعنی فارین پالیسی نیز عماد مغنیه را «مغر متفکر» و «اسرارآمیزترین فرمانده» خوانده بود و در تحلیل اختصاصی خود در سال ۱۳۰۱ که همراه با تصویری سیاه قلم از چهره حاج رضوان منتشر کرده بود، تاکید داشت: «حاج رضوان به عنوان یکی از فرماندهان نظامی اصلی و رئیس شورای جهاد و معمار استراتژی جنگی حزب الله در طول جنگ ۲۰۰۶ با اسرائیل بود.» فارین پالیسی در تحلیل خود به صراحت تاکید داشت: «بسیاری از افسران مید مت‌ها در تلاش بودند تا عماد مغنیه را پیدا کنند اما شکست خورده بودند، از این رو ترور بزدلانه عماد مغنیه را یک پیروزی باورنکردنی خوانده بود. حتی مقاله این نشریه آمریکایی نیز به خوبی نشان می دهد که ترس از دلآوری های استراتژیک حاج رضوان تا این حد، ایالات متحده و تل آویو را لرزان کرده بود، چرا که حتی ۵ سال بعد از شهادت عماد مغنیه یاد او شد که «پسر ۲۲ ساله وی با جمعیت زیادی که برای مراسم خاکسپاری او آمده بودند صحبت کرد و قول داد که انتقام خون پدرش را خواهند گرفت.» از این رو ترور ناجوانمردانه دیگری در دستور کار قرار گرفت، ترور جهاد، فرزند حاج رضوان. نشریه نیوزویک تاکید داشت: «عماد مغنیه» پدر ابهام» خوانده شد، زیرا او پس از مهندسی حملات دیدنی خود، مانند یک غبار ناپدید می شد.» در سال ۲۰۱۵، این نشریه آمریکایی افشا کرد طبق گفته مقامات اطلاعاتی سابق آمریکا که با نیوزویک مصاحبه کرده اند، ترور حاج عماد مغنیه عملیات سازمان سیا بود که شخصا توسط رئیس جمهور جورج دبلیو بوش دستور داده شده و توسط سیا با نظارت مستقیم مایکل هایدن و سایر مقامات ارشد سیا انجام شده است. نیوزویک خبر داده بود آمریکایی ها بودند که به شرط ناشناس بودن این عملیات را با کمک لجستیکی رژیم صهیونیستی انجام دادند. این نشریه آمریکایی به نقل از یک مقام سابق که در این پروژه شرکت کرده بود خبر داد: «آمریکا بمبی طراحی کرد که باعث کشته شدن وی شد و این یک عملیات اسرائیلی-آمریکایی بود.» نیوزویک، تاکید داشت جورج دبلیو بوش در گرگ و میش ریاست جمهوری خود شخصا نه یک بار بلکه دو بار قتل عماد مغنیه را امضا کرد. توسط این نشریه افشا شد که سناریوهای مختلف ترور از جمله زهر یا حمله با اسلحه مورد بررسی قرار گرفت و با آماده شدن بمب، بوش در شب کریسمس ۲۰۰۷ در کمپ دیوید به روزنامه ای از بمب دعوت شد. مقامات ارشد سیا در نیوزویک معترف شدند: «۲۰۰ هزار نفر برای تشییع جنازه عماد مغنیه در بیروت حاضر شدند و بسیاری فریاد «مرگ بر اسرائیل» را سر می دادند از این رو اگرچه سیا از کشتن (شهادت) مغنیه راضی بود اما می ترسید مسئولیت آن را بپذیرد.»

همزمان در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۵ (۱۰ بهمن ۱۳۹۳) واشنگتن پست هم به نقل از یک مقام سابق اطلاعاتی آمریکا خبر داد که

ایالات متحده به ساخت بمب کمک کرد و حتی بارها در یکی از تاسیسات سیا در کارولینای شمالی آن را آزمایش کرد تا از موفقیت آمیز بودن انفجار اطمینان داشته باشد. واشنگتن پست تعداد دفعات آزمایش بمب را به نقل از این مقام امنیتی ایالات متحده ۲۵ بار عنوان کرده بود. بمب از تل آویو کنترل می شد. این نشریه آمریکایی افشا کرد دست داشتن سازمان سیا با موساد در ترور حاج رضوان توسط ۵ مقام سابق اطلاعاتی آمریکا تایید شده است. واشنگتن پست تاکید کرد: «از آنجایی که عماد مغنیه در کشوری ترور شده که در جنگ مستقیم با آمریکا نبود و آن هم به روشی که علاوه بر نقض قوانین بین المللی حتی قدیمی ترین قوانین میدان جنگ را نقض می کرد، از این رو علاوه بر جورج دبلیو بوش، دادستان کل، مدیر اطلاعات ملی، مشاور امنیت ملی و دفتر مشاور حقوقی در دادگستری ایالات متحده نیز حکم به این ترور داده بودند تا با این تاییدات ساختگی در صورت افشا، ایالات متحده قادر به دفاع باشد!»

پیش از آن نشریه آمریکایی واشنگتن اگزاینر نیز فوریه ۲۰۱۴ در مطلبی با عنوان «۶ سال بعد از میراث عماد مغنیه» افشا کرد پیش از شهادت وی در سال ۲۰۰۸، حداقل سه بار هدف عملیات سازمان سیا قرار گرفته و علاوه بر آن بارها توسط FBI و موساد هدف قرار گرفته بود.

روزنامه هیل وابسته به کنگره آمریکا، نیز بعد از افشاشدن بیش از پیش نقش سازمان سیا و موساد در ترور عماد مغنیه، عملیات ترور این فرمانده ارشد حزب الله را «شکار روباه» خواند. تعبیری که پیش از این به «روین رومل» یکی از فرماندهان و به قول معروف مارشال های ارشد تاریخ آلمان گفته شده بود و نشان از زبردستی وی در عملیات های نظامی داشت. روزنامه کنگره آمریکا علاوه بر آن لقب «the One Who Never Sleeps» یعنی «کسی که هرگز نمی خوابد» را برای عماد مغنیه به کار برد و دلیل این القاب را «توانایی خارق العاده» عماد مغنیه خواند که به تعبیر این روزنامه آمریکایی حتی از میان انگلستان اسرائیل و آمریکا و بسیاری از سرویس های اطلاعاتی دیگر لیز می خورد. این روزنامه افشا کرد FBI (سازمان اطلاعات داخلی و امنیتی ایالات متحده آمریکا) سال های سال ترور حاج رضوان را در دستور کار خود قرار داده بود.

دکترین مقاومت

اگرچه استراتژیست ارشد حزب الله لبنان، به قصد ضربه به محور مقاومت در تروری دزدانه که حاکی از بزدلی و ترس از رویارویی با این فرمانده حزب الله بود، به شهادت رسید، حالا که ۱۲ سال از فقدان حاج رضوان می گذرد، مطمئن تر از گذشته می توان گفت که امروز که شبکه ای از عناصر امنیت آفرین، در محور مقاومت تشکیل شده که حاج عمادها و حاج قاسم ها اگرچه شخصیت های تکرارناشدنی هستند و فقدان داغ های عظیمی را بر قلب دوستان اسلام فرونشاندند، اما خللی در مسیر مقاومت ایجاد نکرده و نخواهد کرد. رژیم صهیونیستی که تا ۲۵ می سال ۲۰۰۰ میلادی روی شکست را به خود ندیده بود، طوری در عقب نشینی از لبنان دچار خفت شد که بعد از آن دیگر روی پیروزی را به خود ندید و اخراج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان را در کارنامه امثال حاج رضوان در حزب الله ثبت کرد. بر همین اساس است که اگرچه رژیم صهیونیستی چندی بعد از شکست سنگین در جنگ ۳۳ روزه (سال ۲۰۰۶) با همکاری ایالات متحده، موفق به ترور حاج عماد مغنیه شد، از همان فضاحت جنگ ۳۳ روزه که به تعبیر کمیته وینوگرااد اسرائیل «یک شکست بزرگ و جدی و اشتباهی وحشتناک بود»، به این نتیجه رسید که قدرت بازدارندگی حزب الله را چه با حاج رضوان و چه بدون حضور ایشان نباید دست کم بگیرد. توان نظامی و قدرت دفاعی این گروه قدرتمند شیعی که فاصله کمی نیز با اراضی اشغالی دارد، به گونه ای که تل آویو را در برابر حزب الله بسیار آسیب پذیر کرده است. از این رو حتی شاهد بودیم که اگرچه چندی پیش رژیم صهیونیستی تلاش داشت در مرز لبنان، تونل های حزب الله را به زعم خود کشف و منفجر کند، جرات رویارویی با حزب الله نداشت. امروز تل آویو به درستی می داند حتی با اینکه فرمانده بدون سایه حزب الله را دزدانه و بزدلانه سال هاست که ترور کرده، ولی حزب الله لبنان و محور مقاوت هیچ گاه متکی به فرد نبوده و از این رو قدرت بازدارندگی حزب الله فکر جنگی دوباره با این گروه مقاومت شیعی را به کابوس رژیم صهیونیستی تبدیل کرده است. در همین راستا، می توان به تحلیل واقع بینانه معاون وزیر خارجه آمریکا اشاره داشت. آن هم در انستیتو واشنگتن، اندیشکده ای مستقر در واشنگتن دی سی که در توضیح ماموریت های خود تاکید دارد: «در پی پیشبرد درکی متوازن و واقع گرایانه از منافع آمریکا در کشورهای خاورمیانه و ترویج سیاست هایی است که از منافع آمریکا در این کشورها حفاظت کند.» روز بعد از ترور حاج رضوان، دبید شنکر معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک در این اندیشکده در مطلبی با عنوان «عماد مغنیه چه کسی بود؟» مغنیه را «یک مربی و فرمانده درخشان نظامی» که مسئولیت عملیات های ویژه حزب الله را برعهده داشت، خواند. از این رو شهادت این فرمانده ارشد حزب الله برای ایالات متحده و تل آویو خوشایند تعبیر شد، اگرچه همان زمان نیز شنکر، معاون وزیر امور خارجه آمریکا تاکید داشت ترور حاج رضوان اثری نظامی ندارد و مدعی بود که این ترور شاید اثربخشی سیاسی داشته باشد. چرا که حتی دبوید شنکر نیز معترف بود: «کادرهای نظامی حزب الله به خوبی آموزش دیده اند و دیگر راهنمایی عملیاتی به عماد مغنیه بستگی ندارند.»

بر همین اساس چارلز فروم، تحلیلگر امور خاورمیانه و استاد دانشگاه میشیگان نیز بعد از به شهادت رساندن فرزند ۲۵ ساله حاج رضوان، جهاد مغنیه، (در سال ۲۰۱۵) طی مقاله ای در الجزیره انگلیسی تاکید کرد: «عماد مغنیه پس از ترور تبدیل به افسانه شد و طی هفت سالی که از شهادت وی گذشته، اسطوره او قوی تر شده است. به گونه ای که مغنیه حزب الله پس از مرگ نیز مغز متفکری است که خودش به تنهایی توانسته اقدامات آمریکایی-اسرائیلی را دفع کند.» همانگونه که امروز نیز با گذشت اربعینی از فقدان سردار سلیمانی نیز در محور مقاومت نه تنها خللی ایجاد شده بلکه پیروزیهای حلب و ادلب نیز بر عزم استوار محور مقاومت تاکید دارد. از این رو باید در نظر گرفت که دکت‌رین محور مقاومت مبتنی بر بازدارندگی شبکه ای است که در ادبیات غربی به آن Network deterrence گفته می شود. به این معنا که همه کنشگران محور مقاومت اعم از کنشگران دولتی (مانند جمهوری اسلامی ایران) و غیردولتی (مانند حزب الله لبنان که هر چند در حاکمیت یک کشور دارای جایگاه هستند ولی بخشی از حاکمیت محسوب می شوند و به عبارتی دیگر گروه یا جزئی از حاکمیت رسمی یک کشور هستند) به مثابه اجزا و عناصر یک شبکه بازدارنده در منطقه در برابر تهدیدات و حضور نظامی آمریکا در منطقه و موجودیت رژیم صهیونیستی رفتار می کنند. از این منظر تهدیدات ناشی از گروه ها و گروهک ها تروریستی

حاج رضوان که بود؟

مغنیه بود که اولین بار هواپیماهای بدون سرنشین دشمن را کشف و تصاویر آن را آنلاین دریافت کرد و فهمید که دشمنان می خواهند در جنوب لبنان چه اقداماتی انجام دهند. عملیات انصاریه که بزرگ ترین شکست دشمنان در آن رقم خورد ناشی از تفکر و برنامه ریزی او بود. در جنگ ۳۳ روزه نیز با تدابیری که اندیشیده شده بود، حزب الله توانست با پرتاب موشک ناوچه اسرائیل را نابود کند و با این اقدام به طور کلی نیروی دریایی صهیونیست ها از صحنه جنگ خارج شدند. عماد مغنیه از امیدها و ناامیدها، فرصت تولید می کرد. در مقطعی که رژیم صهیونیستی به بیروت رسیده بود و بسیاری از مردم بیروت اعم از شیعه، سنی و مسیحی آواره شده بودند با یک ابتکار عمل از سوی او طومار رژیم صهیونیستی در اوج ناامیدی که وجود داشت در هم پیچیده شد و انفجار عظیم پایگاه افسران رژیم صهیونیستی، بیروت را از آن وضعیت نجات داد. او با یک اقدام و ابتکار خود توطئه دشمن را برمالا کرد. وقتی که حادثه کودتا در جنوب لبنان رخ داد و نیروهای لحدی که بخشی از ارتش لبنان بودند به رژیم صهیونیستی پیوستند و صهیونیست ها لبنان را با کمک این نیروها مزدور به کنترل خود درآورد، عماد مغنیه همین نگرانی و تهدید را تبدیل به فرصت کرد و از ضعف اعتقادی نیروهای لحدی استفاده کرد و کشته شدن فرماندهان برجسته این نیروها و مرزوران آنها نفعی را برای نیروها را به اضمحلال کشاند بلکه صهیونیست ها را مجبور به خروج از جنوب لبنان کرد. بدون توجه به ملاحظات امنیتی در عملیات ها آنچنان دشمنان را تعقیب می کرد که دشمنان در بسیاری از مواقع مجبور می شدند عمده امکانات خود را جا بگذارند و فرار کنند.

عماد مغنیه پیوسته معتقد بود ما برای اینکه بتوانیم دشمنان اسلام را در همه عالم اسلامی به زانو درآوریم باید همه مناطق جهادی را به نقاط مقاومت اساسی و شکست ناپذیر در برابر دشمنان تبدیل کنیم. وی با بیان اینکه «آونده اولیه یا سر عرفتا به ایران، عماد مغنیه بود»، گفت: او بود که با کمک فتحی شقاقی و دیگر رزمندگان مقاومت جهاد اسلامی را تاسیس کرد. عماد مغنیه دست پری در حماس داشت و تلاش های زیادی برای تقویت جبهه خلق برای آزادی فلسطین و حماس انجام داد. همین تفکر او بود که غزه را تبدیل به دژ تسخیرناپذیری کرد و ما اکنون می بینیم که دو نقطه غزه در جنوب فلسطین و همچنین لبنان در شمال فلسطین به نقطه تولید اضطراب دائمی برای صهیونیست ها تبدیل شده است. از این شخصیت قدرتمند، بسیاری با عبارات بلندی یاد کرده اند. هیچ کس نتوانسته مغنیه را دم (نکوهش) کند. حتی دشمنان نیز او را با عبارت های خود به گونه ای مدح کرده اند. آن چیزی که دشمن می داند و باید با جدیت بماند، این است که قصاص خون عماد مغنیه و دیگر مغنیه ها شلیک یک موشک و کشتن یک نفر نیست. قصاص خون عماد مغنیه و تمام عماد هایی که در لبنان و فلسطین و دیگر نقاط با توطئه صهیونیست ها به شهادت رسیده اند، برچیدن و برافکندن رژیم کودک کش صهیونیستی است و اسرائیل می داند که این امر حتمی است. می داند که این اتفاق در کنار تمام تلاش هایی که می کند رخ می دهد.»

به روایت چهره ها و مصاحبان نزدیک به عماد مغنیه، ایشان یک استراتژیک تمام عیار نظامی و امنیتی بود. اگر شباهتی ایرانی برای حاج رضوان بخواهیم عنوان کنیم، شاید شهید سرلشکر حسن باقری یکی از شبیه ترین فرماندهان به ایشان باشد. به تعبیر اندیشکده های غربی خارق العاده بود و از متبحرترین صهیونیسم شناسان به حساب می آمد. از این رو سال ها هزینه گزاف و برنامه ریزی برای ترور ایشان صورت گرفت و جرات رویارویی مستقیم با ایشان از سوی دشمن نبود. نکته قابل توجه در فرماندهان مقاومت از جمله عماد مغنیه، سردار سلیمانی، ابومهدی المهندس و... این است که بر سری اندیشه ها و الگوی رفتاری، مکتب امنیتی و منظومه فکری آنها نشان می دهد که هریک در پازل کل محور مقاومت مکمل یکدیگر بوده و به مثابه یک کل واحد عمل می کردند. سردار سلیمانی در دهمین سالگرد بدرین خود (در سال ۹۶) برای اولین بار به بیان ویژگی های شخصیتی عماد مغنیه پرداخت؛ اسطوره ای که برای دشمنان رعب آور و برای دوستان ایشان امیدآور بود. آنچه در ادامه می آید چکیده بیان ویژگی های حاج رضوان از زبان سردار دل هاست.

«عماد مغنیه با اقدامات خود قبل از تاسیس حزب الله، حزب الله را تاسیس کرد. او شخصیتی متواضع داشت و در روزها و شب هایی که با او بودم، ندیدم که او بخواهد پیروزی را به نام خود کند در حالی که خالق خیلی از پیروزی ها بود ولی هیچ گاه تلاش نمی کرد که نقش خود را در این پیروزی ها برجسته کند و آن را بزرگ جلوه دهد. شهید عماد مغنیه همواره در نزدیک ترین مناطق متعلق به دشمن برای شناخت دشمن حضور پیدا می کرد. اسم عماد مغنیه در همه سازمان ها و مراکز مطرح بود گرچه ممکن بود خیلی ها او را به چهره نشانند... اینکه گفته می شود عماد مغنیه فرزند امام بود تعبیر بسیار دقیقی است. او تقریب زیادی به امام (ره) و مقام معظم رهبری داشت. من معتقدم آنکه خوف را در لبنان شکاند و بر ترس سیلی زد عماد مغنیه بود. او توانست جامعه لبنان را از یک جامعه شکست خورده پیوسته توسط دشمن به یک جایگاه مستقل برساند و اقدامات دشمنان علیه لبنان را متوقف کند به نحوی که لبنان در جایگاه عالی خود قرار بگیرد. شروع این روند از عماد مغنیه بود و تکمیل آن توسط حزب الله سربلند و رهبر عزیز آن سید حسدن نصرالله رخ داد. عماد مغنیه قائد بود نه سائق. سائق از پشت می زند و حرکت می کند ولی قائد از جلو فرمان می دهد و حرکت می کند. عماد قائد بود، عماد محور اصلی عملیات ها بود و امکان نداشت بدون حضور خود او در صحنه عملیات، عملیاتی انجام شود. او در نزدیک ترین نقطه عملیات و نزدیک ترین نقطه حضور دشمن قرار می گرفت و در عملیات ها مشارکت و نظارت می کرد. عماد مغنیه به موضوعات تربیتی و اعتقادی توجه ویژه ای داشت. ساعت ها با علما و افراد گوناگون صاحب نظر در این زمینه بحث و از نکات آنها یادداشت برداری و تلاش می کرد نکات و دیدگاه های آنها را در تربیت مجاهدان به کار ببرد. او شاگردان مدرسه خود را به نحوی تربیت می کرد که قدرت تحمل نابرابری ها را داشته باشند. عماد

و تکفیری مانند داعش یا حتی کنش های آل سعود نیز در راستای تهدیدات آمریکا و تل آویو تعریف می شوند و جدا از آن نخواهند بود.

این شبکه مقاومت که از کنشگران مختلفی تشکیل شده در اصطلاح اندیشکده های غربی به دلیل نشأت گرفتن مقاومت از اندیشه جمهوری اسلامی، با عنوان «proxy agent» و عوامل نیابتی تعبیر می شود- اگرچه این اصطلاح و ادبیات مورد تایید ما نیست- حتی پا را فراتر گذاشته و ایران را به عنوان «parents proxy» مطرح کردند، به این معنا که جمهوری اسلامی را به عنوان پدر و مادر گروه های مقاومت و آنها را عوامل نیابتی ایران خطاب می کنند. این شبکه مقاومت مبتنی بر ویژگی های برجسته و قابل تاملی شکل گرفته است که در همین راستا می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

۱ نکته قابل تامل اینکه کنشگران اصلی گروه های مقاومت مبتنی بر الگوهای مردم پایه شکل گرفتند؛ به عبارتی دیگر دکت‌رین محور مقاومت که مبتنی بر بازدارندگی شبکه ای است از کنشگرانی تشکیل شده که در قالب الگوهای مردم پایه شکل گرفتند. در همین راستا، می توان علاوه بر حزب الله لبنان به حشدالشعبی عراق، انصارالله یمن و... اشاره کرد. نیروهای مقاومت مردمی هر کشور که بر اساس بافت، ریسیت بوم و شرایط آن کشور شکل گرفتند و تاکنون موفقیت های بسیاری را رقم زده اند. از این رو حتی مدلی قابل توسعه به سایر کشورها نیز هست همان گونه که فاطمیین افغانستان، زننبیون پاکستان، حسینون تاجیکستان تشکیل و بدیهی است که در آینده این نهال های نارس مقاومت نیز چونان حزب الله لبنان تنومند و اثرگذار خواهند بود.

۲ یکی دیگر از اصلی ترین خصوصیات این شبکه کنشگران مقاومت مردم نهاد به گواه عملکرد چندین ساله هریک از این گروه ها این است که از یک قوام و انسجام از رزمندی برخوردار است که حتی با از دست رفتن برخی افراد کلیدی و نظرات مختلف، در این شبکه اتفاق آنچنان جدی در شبکه رخ نخواهد داد. تا جایی که به عنوان مثال حماس که در کنار جهاد اسلامی فلسطین یکی از کنشگران این شبکه است، در اوایل فتنه شام و بحران سوریه شاهد مواضع متفاوت با بعضا اختلاف نظر و سلیقه ای از سوی رئیس دفتر سیاسی حماس بودیم ولی این مساله منجر به حذف حماس از این شبکه مقاومت نشد. به عبارتی این شبکه از یک قابلیت داخلی برخوردار بود که بتواند این مسائل را درون خود هضم کند و به راه خود ادامه دهد بدون اینکه آن گروه از محور مقاومت کنار گذاشته شود. بروز و ظهور این انسجام، بلوغ و پختگی را به وضوح در مراسم تشییع پیکر سردار سهپهد سلیمانی و ابومهدی المهندس، شاهد بودیم تا آنجا که اسماعیل هنیه یکی از مهم ترین سخنرانان این مراسم بود و امروز در مقابله با پروژه معامله قرن یکی از مهم ترین انگشتان فلسطینی حماس است.

۳ نکته قابل توجه بعدی این است که هر چند افراد در این شبکه مقاومت اثرگذاری بسزایی دارند و نقش افراد به هیچ عنوان قابل کتمان نیست ولی از خصوصیات اصلی این شبکه این است که قائم بر فرد و مبتنی بر شخص نیست. به این معنا که ساختار تشکیلات در عناصر این شبکه به نحوی است که هر چند عماد مغنیه (حاج رضوان) را به شهادت رساندن ولی با این ترور در دکت‌رین های نظامی و استراتژی امنیتی حزب الله هیچ خللی ایجاد نشد یا اینکه اگرچه نقش سردار سلیمانی در این شبکه مقاومت به تعبیر دوست دشمن بسیار تعیین کننده است، ولی بعد از شهادت سردار سهپهد سلیمانی این شبکه با روحیه ای مضاعف تر و با اراده ای محکم تر از پیش به کار خود ادامه می دهد و هیچ عقب نشینی ای در محور مقاومت در منطقه رخ نمی دهد. این همان قدرت مولدی است که سردار سلیمانی نیز در شهادت حاج رضوان بر آن تاکید داشت. به این معنی که گفتمان مقاومت یک گفتمان درون زا و روبه رشد است. از این رو با شهادت فردی یا افراد، هر چند آن شخص اثرگذار باشد، روحیه مقاومت متوقف نشده و در واقع افراد جدید در گفتمان حاکم بر مقاومت به بلوغ رسیده و به کادر مدیریت آن اضافه می شوند. به عبارتی دیگر افکار و تفکرات گفتمان مقاومت و فرماندهان آن به دستور کار و مانیفست گروه تبدیل شده و با فقدان افراد، نه تنها خللی در مسیر تربیت شدگان مکتب مقاومت پدید نمی آید بلکه امور با قدرت و اقتدار بیشتری پیش می رود. از این رو سردار سلیمانی نیز تاکید داشتند: «اگرچه عماد مغنیه یک شخصیت غیرقابل تکرار در نوع خود است. اما اسلام در مدرسه خود همواره در درون خود شخصیت های جدیدی را تربیت کرده و می کند و به عالم اسلام عرضه می کند و این انتها به انتها نمی رسد.»